

## نگاهی به داستان پیامبراکرم (ص) در سوره حجرات براساس نظریه تحلیل گفتمان (به روش نورمن فرکلاف)

محمد جمال غواصی<sup>۱</sup>، عباس شفیعی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری رشته مدیریت و رهبری جامعه المصطفی (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

### چکیده

پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی، با روش کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته است. نوع تجزیه و تحلیل در این پژوهش روش تحلیل گفتمان با رویکرد نورمن فرکلاف و الگوی سیستمی است. رویکرد نورمن فرکلاف یکی از مطرح‌ترین نظریات در زمینه گفتمان کاوی به حساب می‌آید که در تلاش است تا پیوند میان معیارهای درونی و برونی متن را توضیح دهد و شرایط اجتماعی و نوع کنش‌های که در شکل‌گیری متن نقش دارند را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین واکاوی کند. بر این اساس، این تحقیق درصدد این است که داستان پیامبراکرم (ص) در سوره حجرات را بر پایه رویکرد مذکور در سه سطح بررسی کند، که داستان پیامبراکرم (ص) در این سوره براساس رویکرد فرکلاف چگونه است؟ کنش‌های اجتماعی که زمینه شکل‌گیری داستان را فراهم نموده است چگونه بوده است؟ و رفتار مطرح شده در داستان در الگویی سیستمی چگونه است؟ نتایج پژوهش نشان داد که رفتار و کنش‌های گروهی از مسلمانان زمینه نزول سوره حجرات و شکل‌گیری داستان را فراهم نموده است. از رفتارهای نامناسب نهی شده است و به رفتار نیکو و رعایت ادب و اخلاق اجتماعی توصیه شده است. رفتار و کنش اجتماعی مطرح شده در داستان، با رویکرد سیستمی در سطح گروهی قابل استفاده است.

**واژه‌های کلیدی:** تحلیل گفتمان، داستان پیامبراکرم (ص)، اخلاق، رفتار، کنش اجتماعی

## ۱. مقدمه

گسترش مباحث علوم قرآنی و پیوندی که این بحث‌ها با دیگر دانش‌ها برقرار می‌کند بسترساز پژوهش‌های میان رشته‌ای است. در این بین، تحلیل گفتمان از جمله زمینه‌های است که این امکان را فراهم می‌سازد تا به گونه‌ای نظامند از ظرفیت سایر رشته‌ها برای این گونه مطالعات استفاده گردد. از آنجایی که قرآن کریم دارای جهان بینی و ایدئولوژی مخصوص به خود می‌باشد و مباحث آن نیز مجزا از فرهنگ و جامعه نیست، بنابراین تحلیل مباحث منعکس شده در آن، از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار است و باعث درک عمیق موقعیت اجتماعی و فرهنگی عصر نزول قرآن، فهم دقیق آیات قرآن و همین طور سبب بازخوانی مطالبی می‌شود که در پشت متن آیات نهفته است. زیرا هدف این روش تحلیل، سازمان دادن، روشمند نمودن و استفاده بهتر از مؤلفه‌هایی نظیر تحلیل کلمات و اصطلاحات، بررسی هماهنگی متن، سیاق و بررسی روابط میان‌متنی است که معنای کانونی متن را سامان می‌دهند (شکرانی، ۱۳۸۹: ۹۹).

## ۲. بیان مسئله

تحلیل گفتمان به عنوان روش زبان‌شناختی به بررسی چگونگی ارتباط آثار ادبی با محیط اجتماعی و تأثیر این محیط بر روش متون ادبی می‌پردازد (ذوالفقاری، ۱۳۹۸).

از آن جایی که قرآن کریم به عنوان یک متن قدسی فراتر از ویژگی‌های یک متن ادبی را در خود دارد، می‌تواند با روش‌های مختلفی تحلیل گفتمان در حوزه زبان‌شناسی مورد مطالعه قرار گیرد. از سوی، بررسی و تحلیل متن و داستان‌های روایی قرآن کریم با روش تحلیل گفتمان باعث فهم و درک عمیق این داستان‌ها می‌شود و پیام‌ها، ارزش‌ها و نوعی روابط فردی و اجتماعی نهفته در ورای داستان بیش‌تر مکشوف شده و مورد استفاده قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد از میان رویکردهای مختلف در تحلیل گفتمان، روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف برای تحلیل متن قرآن کریم و داستان‌های آن مناسب‌تر است، تحلیل گفتمان فرکلاف متن را در سطوح مختلف معنایی، سبکی و موقعیت اجتماعی آن در سه لایه (توصیف، تفسیر و تبیین) مورد بررسی قرار می‌دهد. بررسی داستان پیامبر اکرم (ص) در سوره حجرات با این روش از این جهت اهمیت دارد که در این داستان نحوه‌ای رفتار و روابط اجتماعی و چگونگی تعامل با دیگران، خصوصا با اشخاص رده بالای جامعه، سازمان و گروه ترسیم شده است، بحثی که امروزه در دانش مدیریت، روانشناسی، ارتباطات و علوم تربیتی از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا تحقیق حاضر در صدد بررسی داستان پیامبر اکرم (ص) در سوره حجرات با روش توصیفی- تحلیلی براساس تحلیل گفتمان فرکلاف است، تا نشان دهد که داستان پیامبر اکرم (ص) در سوره حجرات براساس رویکرد فرکلاف چگونه است؟

## ۳. مبانی نظری و پشینۀ تحقیق

## - مفهوم گفتمان؛

گفتمان، در فرهنگ‌نامه «معین» به معنای گفت و گو و مباحثه آمده است (معین، ۱۳۵۰). در اصطلاح، از گفتمان تعارف مختلفی ارائه شده است. از جمله «داد» در اثرش با عنوان «فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی» می‌گوید: «گفتمان اصطلاحی قابل ارجاع در زبان‌شناختی است و بیشتر به معنی توالی‌های فراتر از جمله در گفتار و نوشتار است» (داد، ۱۳۹۲: ۴۰۸). و نیز گفتمان روشی خاصی برای صحبت درباره جهان و درک آن است. تحلیل گفتمان هم که در زبان فارسی به سخن کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار ترجمه شده، یک روش مطالعاتی میان رشته‌ای است که از دهه‌ی ۱۹۶۰ تا دهه‌ای ۱۹۷۰ دنبال تغییرات وسیع علمی

معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناختی، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و ... پدیدار گردیده است. در مقابل، تحلیل انتقادی گفتمان روش جدیدی در تحلیل گفتمان است که در دهه‌های اخیر، در طیف گسترده‌ای از تحقیقات مورد استفاده قرار گرفته است. نورمن فرکلاف از مشهورترین صاحب‌نظران در این حوزه می‌باشد (فلاح و شفیع‌پور، ۱۳۹۷:۳۰). تحلیل گفتمان انتقادی فقط به بررسی ساختار زبان نمی‌پردازد، بلکه به بررسی افراد و نهادهایی می‌پردازد که روش‌های برای معناپردازی از متن دارند؛ لذا در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان کاوی، تجزیه و تحلیل ساختارهای و معنایی است که بار ایدئولوژیک دارند (مکاریک، ۱۳۸۲: ۱۶۱-۱۶۰). با توجه به تعریف گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی که از چهار مفهوم اساسی قدرت، جهان بینی، زبان و ایدئولوژی بحث می‌کند، دنبال انتقال مفهوم ساختار، از سطح جمله و روابط دستوری مانند فعل، فاعل و مفعول به سطح متن کلانتر است و علاوه بر توضیح واحدهای ساختاری داخل یک متن، به زبان کاربردی آن نیز توجه می‌کند (میلز، ۱۳۹۲: ۱۷۱). در این روش، باید ساختارهای اجتماعی و ادراکی، یعنی آنچه معمولاً فرامتن نامیده می‌شود، مورد توجه قرار گیرد و همزمان متن و ساختار خرد و کلان بررسی شود (سلطانی، ۱۳۸۷: ۳۵).

#### - مفهوم الگوی سیستمی؛

الگوی سیستمی، مجموعه‌ای از رفتارها، مشکلات، و ساختارهای مشابه میان سازمان‌های گوناگون است که درک و شناخت آن می‌تواند راهی برای حل مشکلات، ایجاد تحولات، پیش‌گیری از بروز خطا و مدیریت بهتر فراهم آورد (دانیل اچ، ۲۰۰۰). هر سیستمی دارای دورن‌داد (Input)، فرایند (Process) و برون‌داد (Output) می‌باشد.

#### - مفهوم کنش اجتماعی

به انگلیسی: (social action) در جامعه‌شناسی، به عنوان کنش اجتماعی وبری نیز شناخته می‌شود، عملی است که کنش‌ها و واکنش‌های افراد یا کنش‌گران را در نظر می‌گیرد. به گفته ماکس وبر، کنش تا آنجا که معنای ذهنی رفتار دیگران را در نظر می‌گیرد و در نتیجه در مسیر خود جهت‌گیری می‌کند، اجتماعی است (ماکس وبر، ۱۹۷۸).

#### - مفهوم اخلاق اجتماعی

اخلاق اجتماعی، به باایدها و نبایدهای غیرالزامی (غیر حقوقی) مربوط به روابط گروهی، جمعی اخلاق اجتماعی گفته می‌شود (دلاوری، ۱۴۰۰).

#### پیشینه

پژوهش‌های زیادی در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی براساس رویکردهای مختلف آیات، سوره‌ها و داستان‌های قرآنی توسط پژوهشگران به انجام رسیده است که در این‌جا به برخی آنها تحت دو عنوان (پژوهش‌های که در زمینه بررسی آیات، سوره‌ها و داستان‌های قرآنی براساس تحلیل گفتمان سایر رویکردها انجام شده‌اند و پژوهش‌های که در این زمینه بر پایه رویکرد فرکلاف به انجام رسیده‌اند)، اشاره می‌شود.

الف. پژوهش‌های که در زمینه تحلیل گفتمان با سایر رویکردها انجام شده است:

از جمله، مقاله با عنوان «تحلیل معناشناسی گفتمان در قصه یوسف (ع)» در سال (۱۳۹۳)، بواسطه فریده داودی نوشته شده است که ایشان با روش زبان‌شناختی و نظریه «گرمکس» سوره یوسف (ع) را بررسی نموده است و رابطه نشانه‌های زبانی و موقعیت متن را توضیح داده است. پژوهش دیگر تحت عنوان «بررسی ساختارهای گفتمان‌مدار سوره قصص براساس رویکرد (ون لیوون)» توسط یوسف‌آبادی و دیگران در سال (۱۳۹۳) نگاشته شده است که نویسندگان در این پژوهش به بررسی ساخت و

محتوای سوره یوسف(ع)، پرداخته اند. پژوهش دیگر با عنوان «تحلیل فرایندهای گفتمانی در سوره قارعه با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی» توسط احمد پاکتچی در سال (۱۳۹۴) صورت گرفته است که نگارنده با تکیه بر روش خاص نشانه‌شناسی به تحلیل فرایندهای گفتمانی در سوره قارعه پرداخته است.

ب. پژوهش‌های که با تکیه به روش نورمن فرکلاف به انجام رسیده است:

ازجمله، مقاله «بررسی روش گفتمان کاوی و چگونگی کاربری آن در مطالعات قرآنی»، (۱۳۹۰) توسط رضا شکرانی و همکاران براساس روش نورمن فرکلاف انجام شده است. پژوهش دیگر با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی سوره آل عمران، برپایه رویکرد نورمن فرکلاف» است که در سال ۱۳۹۳ به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه تربیت معلم تهران نوشته شده است. پژوهش دیگر با عنوان «قصه یوسف(ع) براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف» توسط حاجی‌زاده و فرهادی انجام شده است. پژوهش دیگر تحت عنوان «بررسی آیات تحدی قرآن کریم را براساس روش نورمن فرکلاف بررسی نموده ذوالفقاری و دسترنج به انجام رسیده است که نگارندگان آیات تحدی قرآن کریم را براساس روش نورمن فرکلاف بررسی نموده اند. پژوهشی با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی تمهیدات عین‌القضات همدانی با رویکرد نورمن فرکلاف» توسط مباحثی و واعظ‌زاده به انجام رسیده است. تحقیق دیگر تحت عنوان «نگاهی انتقادی بر نفثه المصنوع از منظر تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف» توسط نصیری و طالبیان به رشته تحریر درآمده است.

با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده که آیات، سوره‌ها و داستان‌های قرآنی را بررسی نموده‌اند، پژوهش حاضر در پی تحلیل داستان پیامبر اکرم(ص) در سوره مبارکه حجرات براساس روش نورمن فرکلاف می‌باشد.

#### ۴- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیل براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف است. روش گردآوری اطلاعات از نوع اسنادی-کتابخانه‌ای است و نوع تجزیه و تحلیل براساس تحلیل محتوا و الگوی سیستمی می‌باشد.

#### تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف

تحلیل گفتمان مبنای زبان‌شناسی دارد و از جمله روش‌های کیفی پژوهش است که از آن می‌توان به عنوان وسیله‌ای قدرتمند برای درک محتوا و ساختار استفاده نمود(کوبلی، ۱۳۸۷). در واقع، تحلیل گفتمان، تلاشی در برای کشف و تبیین پیوند متن با کارکردهای فکری و اجتماعی آن است(یارمحمدی، ۱۳۸۳) که به کشف معانی ظاهری و پنهان جریانهای گفتمانی منجر می‌شود که در اشکال مختلف زبانی و فرازبانی ظاهر می‌شوند(بشیر، ۱۳۸۵). در این رویکرد، ساختارهای اجتماعی و ادراکی، یعنی آنچه معمولاً فرامتن خوانده می‌شود، در نظر گرفته می‌شود و هم‌زمان متن و ساختارهای گفتمان انتقادی بر ایدئولوژی و قدرت تمرکز دارد. از نظر وی ایدئولوژی وسیله‌ای ایجاد و نگهداری روابط قدرت در جامعه است و به واسطه زبان در نهادهای اجتماعی جریان می‌یابد. نقطه تمرکز فرکلاف بر رابطه زبان و قدرت است و اینکه چگونه زبان در سلطه بعضی بر دیگران کاربرد دارد؛ چرا که معنی در خدمت قدرت است(کلانتری، ۱۳۹۱).

از آنجایی که تحلیل گفتمان به بررسی و تحلیل در سطح بالاتر از جمله می‌پردازد، بنابراین از نظر فرکلاف، سطوح تحلیل گفتمان را سه سطح تشکیل می‌دهد، سطح اول: گفتمان به مثابه متن(شامل تحلیل زبانی در چوکات کلمات، دستور، نظام آوایی و همبستگی در سطح بالاتر از جمله)، سطح دوم: گفتمان به مثابه تعامل بین جریان تولید و تفسیر متن(بحث از تولید و

مصرف متون)، سطح سوم: گفتمان به مثابه بستری است که در آن سه مرحله (متن، تعامل بین مرحله تولید و تفسیر و زمینه اجتماعی)، در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، بررسی و تحلیل می‌شوند (حدادی، ۱۳۹۱).

## ۵. تحلیل داده‌ها

در این بخش به تحلیل و بررسی داستان حضرت پیامبر ﷺ در سوره حجرات، به روش گفتمان فرکلاف، در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین می‌پردازیم تا به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

### سؤالات فرعی:

- کنش‌های رفتاری که زمینه‌ساز شکل‌گیری داستان شده است چگونه بوده است؟
- چه نوع رفتارهایی ناپسند تلقی شده و ممنوع قرار گرفته است؟
- نوعی تعامل و رفتار اجتماعی مطرح شده در داستان در قالب رویکرد سیستمی در کدام سطح رفتاری (سطح فردی، گروهی و سازمانی) قابل استفاده است؟

### ۵-۱. سطح توصیف

چنانکه بیان شد، سطح توصیف اولین سطح از سطح‌های تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف است که در آن به خصوصیات سطحی و ملموس متن، هم‌چون کلمات، جملات، و ساختار متن توجه می‌شود (فرکلاف، ۱۳۸۹). در این سطح فرکلاف سؤالاتی را بیان می‌کند که پژوهشگر در تحلیل متن باید آنها را مورد توجه قرار دهد و پاسخی برای آنها بیابد. واژگان واجد کدام ارزش تجربی هستند؟ چه نوع پیوندها معنایی (هم معنایی، شمول معنایی، تضاد معنایی) از نگاه ایدئولوژیک بین واژه‌ها وجود دارد؟ خصوصیات دستوری دارای کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ چه نوع فرایندها و مشارکینی مسلط هستند؟ آیا کنش‌گر نامعین است؟ آیا فرایندها همان فرایندهایی‌اند که به نظر می‌رسند؟ آیا از فرایند ساده‌سازی در متن استفاده شده است؟ جمله‌ها به شکل معلوم استفاده شده‌اند یا مجهول؟ جملات مثبت‌اند یا منفی؟ خصوصیات دستوری دارای کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ کدام وجه‌ها (خبری، پرسشی، دستوری) بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است؟ آیا میان خصوصیات مهم وجه‌ساز رابطه‌ای وجود دارد؟ از ضمائر ما و شما چقدر استفاده شده است؟ اگر جواب مثبت است، چگونگی استفاده از آنها به چه نحو بوده است؟ جملات ساده چگونه به یکدیگر ربط داده شده است؟ از کدام واژگان ربطی منطقی استفاده شده است؟ آیا جملات ترکیب یافته از مشخصه‌های هم‌پایگی یا وابستگی هستند؟ جهت ارجاع به داخل و خارج متن از چه وسیله‌ای استفاده شده است؟ (همان منبع).

با توجه به پرسش‌های مطرح شده در این سطح، می‌توان گفت که سوره مبارکه حجرات در کل از انسجام و همبستگی خاصی برخوردار است. در این سوره به یک سری آداب و ارزش‌های رفتاری از سوی خداوند متعال به مؤمنان توصیه شده که رعایت و ملتزم بودن به آن سعادت فردی و اجتماعی را در پی دارد. چنان‌که مفسرین بیان نموده‌اند: «سوره مبارکه حجرات مشتمل بر مسائلی از احکام دین است، احکامی که با رعایت آن سعادت و خوش‌بختی فردی انسان کامل می‌شود، و نظام صالح و طیب در مجتمع او برقرار می‌شود. برخی از آن مسائل ادب زیابایی است که بایست میان بنده و خدای تبارک و تعالی رعایت شود، و بعضی از آن مسائل آدابی است که بندگان خدا باید در برابر رسول خدا (ص) رعایت کنند، که در پنج آیه ابتدای سوره آمده. برخی دیگر، احکام مربوط به مسائلی است که مردم در تعامل با یکدیگر در مجتمع زندگی خودشان باید رعایت کنند. قسمتی دیگر مربوط به شایستگی‌های است که برخی افراد بر برخی دیگر دارند، و تفاضل و برتری افراد از اهم اموری است که جامعه مدنی انسان با آن نظم و سامان می‌گیرد، و انسان را به طرف زندگی توأم با خوش‌بختی و عیش پاک و گوارا جهت‌دهی

می‌کند، و با آن میان دین حق و باطل تفاوت می‌گذارد، و می‌فهمد کدام دین حق است، و کدام از سنت‌های اجتماعی قبیله‌ی است. و در انتها سوره را با اشاره به حقیقت ایمان و اسلام ختم نموده، بر بشریت منت‌گذاری می‌کند که نور ایمان را به او افزوده نموده است» (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص: ۴۵۵).

### آیات مورد بحث:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۲) إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (۳) إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۴) وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۵) (قرآن کریم، جزء ۲۶، سوره ۴۹).

ترجمه: {به نام خداوند بخشنده ی مهربان. ای کسانی که ایمان آورده اید! (در هیچ کاری) بر (حکم) خدا و پیامبر او پیشی نگیرید و از خداوند پروا کنید، که خداوند شنونده ی دانا است. ای کسانی که ایمان آورده اید! (موقع سخن گفتن با پیامبر) صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر نبرید و آن طور که با هم دیگر بلند سخن می‌کنید، با پیامبر بلند سخن مگویید! مبادا (به خاطر این بی ادبی) اعمالتان نابود شود و شما آگاه نشوید. همانا کسانی که نزد پیامبر (از روی ادب و احترام) صدای‌شان را پایین می‌آورند، آنان کسانی هستند که خداوند دل‌های‌شان را برای (پذیرش) تقوا آزمایش (و آماده) کرده و آموزش و پاداش بزرگ مخصوص آنها است. همانا کسانی که از پشت حجره ها تو را صدا می‌زنند، اکثرشان تعقل نمی‌کنند. و اگر صبر پیشه کنند تا به طرف آنها بیرون شوی، قطعاً برای آنها بهتر است و خداوند آمرزنده است} (قرآنی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، صص ۱۶۵-۱۴۵).

### شرح واژگان:

«قدمه» و «أقدمه» با مشدد ساختن «دال» و افزودن همزه، از «قَدَمَهُ» به معنای «تقدمه» است، چنانکه در عبارت قرآنی «يقدم قومه» [هود، ۹۸] و «سلفه» «أسلفه» هم از حیث معنا و هم از نقل همانند آن است.

عبارت «لاتقدموا» بدون ذکر مفعول، دو دلیل می‌تواند داشته باشد، نخست آن که از آن روی حذف شده تا هرنوع تقدیمی را که شخص در دل می‌آورد شامل شود. دوم آن که هدف عبارت آوردن و حذف مفعول نباشد و قصد نهی از خود پیشی گرفتن باشد و تو گویی فرموده است: با ابهام و پوشیده بودن این فعل و بدون مسیر مشخص قرار دادن آن پیشی نگیرید، مانند آن عبارت قرآنی که می‌فرماید «هو الذی یحیی و یمیت» [غافر، ۶۸]. همچنین می‌تواند از «قدم» به معنای «تقدم» باشد، مانند «وجه» و «بین» که «مقدمه الجیش» متضاد «ساقه الجیش/ بازپسینان لشکر» نیز از آن است که به معنای پیش‌قراول و طلعه‌دار لشکر است. قرائت کسانی که آن را با حذف یکی از دو «تا» «تقدموا»، «لاتقدموا» خوانده‌اند، همین برداشت را تقویت می‌کند، اما برداشت اول پر از نیکوی بهتر و بسیار همخوان تر با بلاغت قرآنی و برای عالمان پذیرفتنی‌تر است (زمخشری، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۴۳۳).

مراد از عبارت «بین یدی الله و رسوله»، این است که کاری را انجان ندهید مگر پس از آن که حکم آن بیان شده و خدا و رسول به آن اجازه داده باشند. این عبارت مثل این جمله عربی است که می‌گوید «جلست بین یدی فلان»، یعنی بین دو جهت موازی سمت راست و چپ که نزدیک به آن است، بنشینند که از دو جهت از آن روی به «یدین» تعبیر شده که در عین نزدیکی به دستان به صورتی فراگیر در سمت دستان قرار گرفته‌اند، چنان که مرسوم است اگر چیزی در کنار و نزدیک به چیزی دیگر قرار گیرد و در عین جایگاه آن قرار نگرفته باشند، به خود آن چیز تعبیر می‌شود و چنین شیوه گفتاری درواقع نوعی از مجاز است که عالمان علم بیان از آن به تمثیل تعبیر می‌کنند و به این سبک سخن گفتن فایده‌ای دارد که بیان ساده عبارت تهی از

آن است. فایده اش این است که عیب وزشتی نهی از اقدام به کاری بدون پیروی از قرآن و سنت را به تصویر می کشد (همان، ص ۴۳۴).

مراد از عبارت «لا ترفعوا أصواتكم فوق صوت النبی» در آیه دوم این است که هرگاه آن حضرت سخن بگوید، و شما سخن بگویید، نباید بلندی صدای خود را از بلندی صدای آن حضرت بالاتر ببرید. و چنان می باید آن را فرو کاهید که سخن گفتن او بلندتر از سخن گفتن شما باشد. و او آشکارتر از شما سخن بگوید تا این که برتری آن بر شما آشکار و بیشتر سخن گفتنش روشن بوده و این امور کاملاً هویدا باشد و پنهان نباشد. نه آنکه سخنان او را در بانگ و غوغای یکدیگر فروپوشانید و واژگان آن حضرت را در هیاهوی خود نهفته بدارید. از عبارت «لا تجهروا له بالقول» دانسته می شود که اگر با آن حضرت سخن گفتید و او خاموش بود، نباید از حکم نهی از بلند کردن صدا عدول کنید، بلکه می باید به شیوه ای عمل کنید که صدای شما چنان بلند نشود که دارید با همدیگر سخن می گوید. و به هنگام سخن گفتن با آن حضرت چنان نرم سخن بگویید که به پنهان سخن گفتن نزدیک باشد، نه به آشکارا سخن گفتن، چنان که با افراد شکوهمند بلند مرتبه چنین سخن می گویند و به مدلول عبارت قرآنی «و تعزروه و توقروه» [فتح، ۹] عمل کنید.

برخی از مفسران گفته اند معنای عبارت «ولا تجهروا له بالقول کجهر بعضکم لبعض» آن است که به آن حضرت نگوید: «ای محمد» یا «ای احمد» بلکه به حضورش «ای پیامبر» یا «یا رسول خدا» بگویید (همان، ص ۴۳۶).

«حبوط» از «حبطت الإبل» به معنای خوردن شاخه های خرمابن و باد کردن شکم آن است و چه بسیار اتفاق می افتد که بر اثر آن می میرد و حدیث «و إن مما ینبت الربع لما یقتل حبطا أو یلم» یکی از خاصیت های گیاهان بهاری آن است که می کشد و یا در معرض مرگ قرار می دهد. از عبارت «حبطت الإبل» به معنای خوردن عرفج (درختی است که در ریگزار می روید) و بیمار شدن از آن است و «أحبط عمله» مانند «أحبط عمله» است و «حبط الجرح و حبر الجرح» به معنای نو شدن زخم و تازه شدن جراحت و تباه گردیدگان و در معرض فساد قرار گرفتن است.

«ان تحبط أعمالکم» مفعول له و محلاً منصوب است و در باره متعلق آن دو نظر است، نخست آن که متعلق به معنای نهی باشد که معنایش چنین است: از کاری باز آید که به دلیل از بین رفتن کارهایتان از آن نهی شده اید، یعنی: با مقدر بودن حذف مضاف «از بیم از بین رفتن کارهایتان»، مانند آن عبارت قرآنی که می فرماید: «یبین الله لکم أن تصلوا» [نساء، ۱۷۶]. دوم آنکه به خود فعل متعلق باشد، یعنی: آنان به دلیل از بین رفتن کارهایشان از کاری که انجام دادند نهی شده اند و چون عمل منتهی به حبوط و از بین رفتن کارهاست، چنان مقرر شده که گویی به سبب آن انجام شده و انگار به شیوه تمثیل، علت و سبب آن است، مانند آن عبارت قرآنی که می فرماید: «لیکون لهم عدواً» [قصص، ۸]. (همان، ص ۴۳۹).

«یغضون» از ماده «نخص» در اصل به مفهوم فرود آمدن از موقعیت و کوچکی کردن آمده است، به همین تناسب به معنای کوتاه کردن صدا و یا کم نمودن نگاه آمده است. در برابر آن بلند کردن صدا و خیره و عمیق نگاه کردن است. در فرهنگ و ادبیات عرب هنگامی که گفته می شود: «غض بصره» منظور این است که: او از خیره نگریستن و تیزبینی چشم خود کاست (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۱۳، ص ۸۰۷).

«امتن الله قلوبهم للتقوی» از عبارت «امتن فلان لأمر کذا و جرب له» و در باب للنهوض به، فهو مضطلع به غیر وان عنه/ فلانی را برای کار پرورده اند و آزموده اند و برای پرداختن به آن تمرین یافته و تنهائی به آن اختصاص یافته و از آن سست نمی شود، یعنی: آنان در تقوا بردباری خود را نشان داده اند و توانایی تاب آوردن آن را یافته اند و یا این که امتحان به جای معرفت و شناخت به کار رفته، زیرا تحقق یک چیز با آزمودن آن امکان می یابد، چنان که «خبر» را هم به جای آن به کار می برند و تو گویی فرموده است: «عرف الله قلوبهم للتقوی» که در چنین عبارتی لام متعلق به محذوف است و مانند لامی که در عبارت «أنت لهذا لأمر» آمده است، یعنی: برای آن و ویژه آن است (زمخشری، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۴۴۰).



«وراء» عبارت از جهتی است که شخصی را از پشت سر یا پیش‌رو از انسان در پرده و پوشیده نگاه می‌دارد و «من» برای ابتدای غایت و ندا از آن مکان آغاز شده بود. اگر «وراء» بدون «من» آورده شود به این معنا است که «وراء» می‌تواند ندادهنده و مورد ندا را باهمدیگر فراهم آورد، اما در صورت ثبت «من» «وراء» ابتدای غایت می‌شود و به دلیل تحقق یک جهت نمی‌تواند هم مبتدا و هم منتهای یک فعل باشد. اما وقتی می‌گویند: «نادانی فلان من وراء الدار» در این عبارت مراد عقب و جلو نیست، بلکه از آن جهت متوجه آنان نشده است که ندای آنان از پشت یا جلوی حجره‌ها انجام گرفته، بلکه از آن جهت مورد انکار قرار گرفته‌اند که آن حضرت را در هر گوشه و کنار مانند ندادادن مردمان سبک‌مایه مورد خطاب قرار داده‌اند و هدف خطاب قرار دادن از سمت و سوی خاص نیست (همان).

«حجره» به پاره‌ای از زمین گفته می‌شود که آن را به دیوار محصور و نیز مسقف کرده باشند، چنان که به حظیره شتران «حجره» می‌گویند و بر وزن «فعله» به معنای «مفعوله» است، مانند «غرفه» و «قبضه». جمع آن «حجرات» به ضم «حاء» و «جیم» و فتح «جیم» و سکون آن است که قاریان آن را به هر سه قرائت خوانده‌اند. مراد از «حجرات» در این جا، خانه‌های همسران رسول خدا (ص) است که هرکس از آنان حجره‌ای داشت و مورد ندا قرار دادن رسول خدا (ص) از ورای حجره‌ها می‌تواند به آن دلیل باشد که برای یافتن رسول خدا (ص) در حجره‌ها پراکنده می‌شدند و هر یک از حجره‌ای آن حضرت را مورد خطاب قرار می‌دادند و یا این که حجره به حجره به دنبال آن حضرت می‌گشتند و از ورای حجره‌ها آن حضرت را مورد خطاب قرار می‌دادند و برای نکوداشت آن حضرت به صیغه جمع آمده است (همان، ص ۴۴۱).

عبارت «أنهم صبروا» بنا بر فاعل بودن، محلاً مرفوع است یعنی: «و اگر بردباریشان به ثبوت برسد». صبر عبارت از خویشتنداری از اختلاف ناشی از هوای نفس است، چنان که خدای متعال می‌فرماید: «و اصبر نفسك مع الذين يدعون ربهم» [آکھف، ۲۸]. و در عربی نیز می‌گویند: «صبر عن کذا»، یعنی مفعول که نفس باشد، از عبارت حذف شده است و عبارت از حبس بر سوگند یا قتل به «صبر» تعبیر شده است، چنان که در سخن عرب‌ها آمده است: «الصبر مرّ لا يتجرّعه إلا حرّ» صبر تلخ است و جز آزدگان آن را سر نمی‌کشند.

تفاوت بین دو عبارت «حتّی تخرج» و «إلی أن تخرج»، این است که «حتّی» ویژه غایت معین است و می‌گویند: «أكلت السمكة حتّی رأسها» اما اگر بگویند: «حتّی نصفها» یا «صدرها» جایز نیست. اما «إلی» هر نوع غایتی را شامل می‌شود و در این عبارت نیز «حتّی» بنا بر قصدی که برایش وضع شده افاده این معنی را می‌کند که رفتن رسول خدا (ص) به نزد آنان غایتی است که برای صبر آنان مقرر شده است و آنان حق نخواهند داشت آن را پیش از آن که پایان پذیرد، قطع کنند.

اگر بپرسند: عبارت «إلیهم» چه معنایی را افاده می‌کند؟ در پاسخ باید گفت: فایده اش این است که آن حضرت بیرون آمده، اما آمدنش به سوی آنان و یا برای آنان نیست و آنان باید قطعاً صبر کنند تا این که بدانند که به قصد آنان بیرون آمده است. «لکان خیراً لهم» در «کان» یا ضمیر فاعل فعل مضمّر پس از «لو» و یا ضمیر مصدر مقدر است. «صبروا» مانند آن عبارت عرب زبانان است که می‌گویند: «من کذب کان شرّاً له». «والله غفورٌ رحیم» از غفران و آموزش و سرشار و رحمت و مهربانی دامن‌گستر برخوردار است و اگر اینان هم توبه کنند و به سوی خدا باز آیند، آموزش خود را از آنان دریغ نخواهد داشت (همان، ص ۴۴۴).

### شان نزول:

در شأن نزول و داستان فرود آیه‌های دوم تا پنجم مفسرین دو روایت آورده‌اند: ۱- از برخی مفسران و محدثان پیشین از جمله «ابن اسحاق» آورده اند که: گروهی از عشیره و قبیله «بنی تمیم» و سرکردگان و اشراف آنان، همچون: «عطارد»، «اقرع بن حابس»، «زبرقان»، «عمرو بن اهتم» و... به همراه انبوهی از طرفداران و همفکران خویش به قصد دیدار با پیامبر وارد مسجد مدینه شدند.



زمانی که آنان رسیدند، پیامبر در خانه اش - که در جوار مسجد ساخته شده بود - حضور داشت. آنان پشت حجره هایی که محل زندگی آن حضرت بود جمع شدند و صدای خویش را بلند کردند که: اخرج این یا محمد! هان ای محمد! بیرون بیا که با تو سخنی داریم. این رفتار ناپسند و آن سروصداهای بی ادبانه و گستاخانه پیامبر را آزرده... این جا بود که این آیات به پیامبر(ص) نازل شد.

۲- اما از دیدگاه گروهی دیگر از جمله «ابن عباس» و «ابوحزمه» این گروه که به حضور پیامبر آمدند، مردمی از طایفه «بنی غیر» بودند که شماری از زنان آنان در جنگ و درگیری به اسارت یاران پیامبر درآمده و اینان آمده بودند تا با پرداخت فدیة آنان را آزاد سازند.

آری، آنان با این هدف وارد مدینه و مسجد پیامبر شدند و با شتاب و بی قراری بسیار از پشت حجره ها و اتاق های مسکونی پیامبر با صدای بلند و بدون رعایت ادب انسانی آن حضرت را ندا دادند و این جا بود که آیه های سه تا پنج این سوره در نکوهش این رفتار، و ارائه ادب رویارویی با پیامبر(ص) فرود آمد (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۱۳، ص ۸۱۲-۸۰۷).

با توجه به رویکرد نورمن فرکلاف، در سطح توصیف در داستان پیامبر اکرم(ص) نکات ذیل قابل توجه است:

۱- کنش گران در در این داستان، خدایی متعال و گروهی از مردمی است که یا در کارهایشان از حکم خدای متعال و رسولش پیشی می گیرند و یا با صدای بلند باعث اذیت و آزار پیامبر اکرم(ص) می شدند که خداوند متعال در برابر رفتار آنان نسبت به پیامبر اکرم(ص)، واکنش نشان می دهد و نسبت به عواقب و پیامد کارشان به آنان هشدار می دهد و از انجام چنین اعمالی نهی می کند.

۲- چون در داستان نوع رفتار و مواجهه گروه(بنی تمیم) با پیامبر اکرم(ص) ناپسند بوده است، بیشتر از فعل نهی استفاده شده است، مثلاً در آیه اول می فرماید «لاتقدموا» یعنی از خدا و رسولش پیشی نگیرید. در آیه دوم، دوبار از فعل نهی استفاده می کند «لاترفعوا»، «لاتجهروا» یعنی از بلند بردن صدا و با صدای بلند صحبت کردن در حضور پیامبر اکرم(ص)، نهی می کند.

۳- نکته دیگری که در رویکرد فرکلاف، در سطح توصیف مورد توجه است، تکرار واژه ها و جملات است که در داستان پیامبر اکرم(ص) در سوره حجرات نیز بعضی واژه ها و کلمات به تکرار آمده است، مثلاً خطاب «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در کل سوره پنج بار تکرار شده است، دوبار آن در پنج آیه اول در داستان پیامبر اکرم(ص) آمده است. مفسر گرانقدر آیت الله قرائتی در مورد تکرار خطاب «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» می فرماید: «تکرار این جمله، نشان دهنده جایگاه مسائل اخلاقی و روابط اجتماعی در اسلام می باشد و به خوبی نشان می دهد که چگونگی رفتار مسلمانان با یکدیگر و با رهبران خود، مورد توجه خداوند بوده است» (قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۱۵۳).

واژه دیگر که در این سوره به تکرار آمده است، واژه «والتقوا الله» (تقوا) است که سه بار در آیات مختلف تکرار شده است. در آیه ۱، آیه ۱۰ و آیه ۱۲ تکرار شده است که تکرار، تأکید و اهمیت موضوع را می رساند، یعنی به خاطر اهمیت تقوا و پرهیزگاری است که خداوند این کلمه را تکرار و به اهتمام و ملتزم بودن به آن تأکید نموده است.

## ۵-۲. سطح تفسیر

فرکلاف معتقد است، تحلیل انتقادی گفتمان در سطح تفسیر می باید به شناخت فراتر از ویژگی های صوری متن دست یابد و آن شناسایی نوع ارتباط متن و ساختارهای اجتماعی است. برای دستیابی به این هدف، سطح تفسیر به کردار گفتمانی می پردازد که حلقه اتصال متن کردار اجتماعی است. کردار گفتمانی «فرایندی است که افراد از زبان برای تولید و مصرف متن

استفاده می‌کنند و فقط از این طریق است که متن‌ها به وجود می‌آیند و به وسیله کردار اجتماعی شکل می‌گیرند (فرکلاف، ۱۳۸۷).

در داستان پیامبر(ص) نیز، کردار گروهی از مسلمان زمینه نزول آیات و شکل‌گیری داستان را فراهم آورده است. سوره مبارکه حجرات همان طور که در سطح توصیف بیان شد، حاوی توصیه‌های مهم اخلاقی و رفتاری در واکنش به رفتار گروهی از مسلمانان می‌باشد. در آیه اول این سوره، خداوند تبارک و تعالی نحوه رفتار یا رابطه انسان با خدا و رسولش را توضیح می‌دهد: «یا ایها الذین آمنوا لا تقدموا بین یدی الله و رسوله و اتقوا الله ان الله سمیع علیم»، مرحوم طباطبایی می‌فرماید: «منظور آیه این است که هیچ حکمی را بر حکم خدا و رسول مقدم مدارید» (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۴۵۷). «تقدیم» در این آیه به معنای «تقدم» است، یعنی اگر کلمه «تقدیم» در جاهای دیگر متعدی و به معنای پیش انداختن چیزی است، در اینجا به معنای تقدم و پیش افتادن است؛ و معنای آیه این است که: از خدا و رسولش جلو نیفتید، و پیش از امر و نهی خدا و پیامبر(ص) امر و نهی نکنید، و پیش از دستور خدا و رسول هیچ امری را فیصله ندهید (طبرسی، ج ۹، ص ۱۳۰). خداوند از پیشی گرفتن بر رهبر جامعه اسلامی به شدت نهی کرده است، چون کسی که در کارهایش از خدا و پیامبر پیشی می‌گیرد، در مدیریت نظام اسلامی خلل وارد کرده و جامعه را به نابسامانی می‌کشد و در واقع نظام قانون‌گذاری را بازیچه امیال خویش قرار می‌دهد. پیروی از این آیه جلوی بسیاری از اشتباهات را می‌گیرد، زیرا گاهی خواسته‌ای مردم، پیروی آنان از حدس و تخمین یا میل به ابتکار و نوآوری و یا قضاوت بدون تفکر یا گمان آزاد اندیشی، انسان را مجبور به گفتن، نوشتن و یا اخذ تصمیماتی می‌کند بدون این که خود اطلاع داشته باشد از حکم خدا و رسول جلو می‌افتد (قرآنی، ۱۳۸۷: ج ۱۱، ص ۱۵۵).

در آیه دوم، خداوند در واکنش به رفتار نامناسب آنان در برابر پیامبر(ص)، نحوه رفتار با پیامبر اکرم(ص) را به آنها دستور می‌دهد: «یا ایها الذین آمنوا لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی و لا تجهروا له...»، مرحوم علامه در تفسیر المیزان می‌فرماید: «منظور از اینکه می‌فرماید: صدای خود را بالاتر از صدای پیامبر اکرم نکنید، این است که هنگامی که با آن حضرت حرف می‌زنید، صدایتان بلندتر از صدای ایشان نباشد، چون - همانطور که گفته شده اند - این کار دوعیب دارد: یا منظوری کسی که صدای خود را بلند می‌کند این است که توهینی به آن حضرت کرده باشد، که این کفر است. و یا هدفی ندارد و فقط شخصی بی ادب است که رعایت مقام پیامبر را نمی‌کند، و این خلاف دستور است، چون مسلمانان دستور دارند به پیامبر احترام داشته باشند» (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۴۵۸). می‌فرماید: «و لا تجهروا له بالقول کجهر بعضکم لبعض» با پیامبر(ص) طوری که با یکدیگر حرف می‌کنید داد و فریاد نکنید، چون رعایت احترام و تعظیم پیامبر اقتضاء دارد در هنگام صحبت، گوینده صدایش پایین‌تر از صدای آن حضرت باشد. بنابراین، با صدای بلند صحبت کردن فاقد معنای احترام است، و با بزرگان با صدای بلند صحبت کردن مثل مردم عادی، دور از اسائه ادب و وقاحت نیست (همان).

برخی مفسرین این آیه و آیات بعدی را چنین تفسیر نموده است: جمله اول «لا ترفعوا اصواتکم» اشاره به این است که صدا را بلندتر از صدای پیامبر(ص) نکنید، که این خود بی‌احترامی در حضور اوست، پیامبر اکرم(ص) که جای خود دارد، این عمل در برابر پدر و مادر و استاد و معلم نیز دور از احترام و ادب است.

اما جمله «لا تجهروا له بالقول» یا تأکیدی بر همان معنی جمله اول است و یا اشاره به موضوعی جدیدی است و آن ترک خطاب پیامبر(ص) با جمله یا محمد و تبدیل آن به یا رسول الله است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۲۲، ص ۱۳۷). گرچند بلند نمودن صدا در برابر پیامبر بی‌احترامی به آن حضرت است که به خاطر مقام والای ایشان، باعث از بین رفتن اعمال می‌شود، ولی قرآن به ما توصیه کرده که نسبت به همه‌ی مردم ادب را رعایت کنیم و آرام سخن بگوییم. چنانکه لقمان(ع) به پسرش می‌گوید: «واغضض من صوتک» صدای خود را فروگیر و آرام سخن بگو. سپس صدای بلند را به صدای الاغ تشبیه نموده است: «ان انکر الاصوات لصوت الحمیر» [لقمان، ۱۹] (قرآنی، ۱۳۸۷: ج ۱۱، ص ۱۵۹).

آیه بعدی برای تاکید بیشتر بر این موضوع، برای آنانی که به این دستور الهی عمل می کنند، و انضباط و ادب را نسبت به پیامبر(ص) رعایت می نمایند، پاداش یا تشویقیه در نظر می گیرد: «آنها که صدای خود را در برابر رسول خدا پایین می آورند آنانی هستند که خداوند دل هایشان را برای تقوا خالص و گسترده ساخته و برای آنها اجر و پاداش بزرگی است» ان الذین یغضون اصواتهم عند رسول الله اولئك الذین امتحن الله قلوبهم للتقوی لهم مغفرة و اجر عظیم». یغضون از ماده غض ( بر وزن حظ ) به معنی کم کردن و پایین نمودن نگاه یا صدا است، و در مقابل آن خیره نگاه کردن، و صدا را بلند نمودن است. امتحن از ماده امتحان در اصل به معنی ذوب کردن طلا و گرفتن ناخالصی آن است، و گاه به معنی پهن نمودن چرم نیز آمده، ولی بعدا در معنی آزمایش به کار رفته است، مانند آیه مورد بحث، آزمایشی که نتیجه آن خلوص قلب و گستردگی آن برای پذیرش تقوی است» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۲۲، ص ۱۴۲).

آیه بعد جهت تاکید بیشتر، اشاره به بی خردی آنانی می کند که این دستور الهی را پشت سر می افکنند، و چنین می فرماید: کسانی که تو را از پشت حجره ها بلند صدا می زنند اکثرشان عقل و خرد ندارد» ان الذین ینادونک من وراء الحجرات اکثرهم لا یعقلون».

در آیه بعدی برای کامل شدن این معنی می افزاید: اگر آنها صبر می کردند تا خود از حجره خارج شوی، و به طرف آنها روی برای آنها بهتر بود» و لو انهم صبروا حتی تخرج الیهم لکان خیرا لهم».

و از آنجا که تعدادی از روی ناآگاهی قبلا مرتکب چنین عملی شده بودند، و با نزول این دستور الهی طبعاً به وحشت می افتادند، قرآن به آنها نیز امید می دهد که اگر آنها توبه و استغفار کنند، نیز مشمول رحمت پرودگار می شوند، لذا در انتهای آیه می فرماید: و خداوند غفور و رحیم است» و الله غفور رحیم» (همان).

در سطح تفسیر در داستان پیامبر اکرم(ص)، یک نوع هماهنگی خاصی بین آیات مورد بحث به نظر می رسد، یعنی چیدمان آیات به گونه ای است که آیه بعدی تأکیدی بر آیه قبلی است. این اهمیت موضوع رفتار اجتماعی را می رساند. لحن خطاب به نظر می رسد گاهی شدید است و گاهی ملایم و آرام. در آیه اول لحن شدید است، می فرماید از خدا و رسول پیشی نگیرید، اگرهم دست به چنین کاری بزنید از دید خدای متعال پوشیده نمی ماند. در آیه دوم تقریباً لحن یکسان است، می فرماید صدای خود را از صدای پیامبر بلند نبرید، با پیامبر آن طور که بین خود سخن می کنید، سخن نکنید. این کار باعث نابود شدن اعمال شما می شود. بعد لحن آرام می شود، می فرماید کسانی که این موضوع را رعایت می کنند، کسانی اند که خداوند قلب های آنان را برای تقوا آزموده است و برای آنها اجر و پاداشی زیاد است. در آیه بعدی دوباره لحن شدیدتر می شود، می فرماید، کسانی که از پشت دیوارها پیامبر(ص) را با صدای بلند مورد خطاب قرار می دهند «لا یعقلون» اند. و در اخیر لحن دوباره آرام می شود، اگر آنان صبر می نمود که خود پیابری(ص) بیرون می آمد، خیلی برای شان بهتر بود.

### ۳-۵. سطح تبیین

هدف از سطح تبیین، توصیف گفتمان به مثابه ای بخشی از فرایند اجتماعی است. تبیین، گفتمان را به عنوان عمل اجتماعی توصیف می کند و نشان می دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می بخشند، و نیز نشان می دهد که گفتمان ها چه تأثیرات باز تولیدی می توانند بر آن ساختارها داشته باشند؛ تأثیراتی که باعث حفظ یا دگرگونی آن ساختارها می شوند(فرکلاف، ۱۳۷۹).

با توجه به سطح تبیین در رویکرد فرکلاف، در داستان پیامبر(ص) باید گفت، داستان پیامبر اکرم(ص) از مجموعه توصیه های اخلاقی و رعایت ادب انسانی تشکیل شده است که رعایت این توصیه ها در ایجاد کنش های اجتماعی و رفتارهای انسانها در

ارتباط با خدا و اولیاء و بزرگان، صاحبان فضل و علم و دانش، رفتار فردی، گروهی و سازمانی نقش بسزایی دارد. تا قبل از نزول این سوره و این آیات، شاید میکانیزم کنش های اجتماعی متأثر از فرهنگ قبل از اسلام بوده است، طوری که ادب و اخلاقی اجتماعی رعایت نمی شده و هرکس هرطور که دلش می خواسته، یکی دیگر را صدا می زده، و با القاب نامناسب هم دیگر را مورد خطاب قرار می داده اند، که گاهی حتی در برابر پیامبر اکرم (ص) هم رعایت نمی کرده است، تا این که این سوره نازل می شود و مؤمنین را به رعایت ادب و اخلاق اسلامی و رفتار نیکو توصیه می کند.

در این داستان نیز توصیه می شود، وقتی درخواستی از کسی داشته باشیم، پیش از درخواست و دستور به کاری، اول باید بیستر روانی قبولی و پذیرش را در مخاطب ایجاد کرد. جمله ی «یا ایها الذین آمنوا» به مؤمنان شخصیت می دهد و پیوند آنها با خدا را که زمینه ی انجام فرامین است بیان می کند. چون دستور پیش نیفتادن از خدا و رسول، دستور ادب است، خود آیه نیز مخاطب را با ادب ویژه صدا می زند (قرآنی، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۱۵۶). البته منظور این نیست که با ظاهرسازی و ریاکاری و رعایت ظاهری برخی از آداب و یا زبان چرب و نرم و سرهم بندی جمله هایی ریاکارانه و پر از تظاهر و چاپلوسی و تملق یا به زبان آوردن واژه هایی حقارت بار و ذلیل پرور که طرف را مجذوب کنیم، اینها ادب انسانی و اسلامی مورد نظر قرآن نیستند... ادب و اخلاق اسلامی قانون گرایی و قانون مداری و گفتار و رفتار خردمندانه و عادلانه و انسانی و بشردوستانه است، و نه ظاهرسازی. امیرالمؤمنین (ع) در این مورد فرمود: «افضل الادب ان یقف الانسان علی حده و لا یتعدی قدره» برترین ادب آن است که انسان از مرز حقوق و آزادی خویش نگذرد و به حقوق و حریم دیگران تجاوز نکند و از آنچه درخور آن است و حق اوست فراتر نرود و تطلبد و ارزش و اندازه خود را بشناسد [غررالحکم، واژه ادب] (طبرسی، ۱۳۸۰: ج ۱۳، ص ۸۲۴).

مسئله تشویق و تنبه نیز در این داستان مطرح شده است، که پیام تربیتی دارد. همان طور که خلاف کار را توبیخ می کنیم، افراد مؤدب و شایسته را تقدیر کنیم «ان الذین یغضون... لهم مغفرة و اجر عظیم» (قرآنی، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۱۶۴) ..

در آیه «ینادونک من وراء الحجاب» درست است که موضوعی صدا زدن از ورای دیوار پیامبر اکرم (ص) مطرح شده است، مسئله ی که امروز دیگر مطرح نیست، اما درس و قانونی که از این مسئله به دست می آید، برای ما خیلی مفید و کاربردی است. در روایت آمده است که ابن عباس زمانی که به منزل استادش می رفت، دق الباب نمی کرد و صبر می کرد تا خود استاد بیرون بیاید. از ایشان سؤال شد: چرا در نمی زنی؟ در پاسخ این آیه را تلاوت کرد: «ولو انهم صبروا حتی تخرج الیهم لکان خیرا لهم» اگر مردم صبر کنند تا خود از خانه بیرون شوی برای آنان بهتر است (همان، ص ۱۶۵). هر شخص حریمی دارد، حریم خانه، حریم دفتر کار، ایام فراغت... مزاحمت و سروصدا ایجاد کردن قطعاً بی احترامی محسوب می شود که در رفتار و روابط اجتماعی باید رعایت شود.

در آخرین آیه مورد بحث، خداوند به اهمیت صبر و شکیبایی تأکید می کند و در نهایت بخشندگی و گذشت را مورد توجه قرار می دهد. نسبت به افراد بی ادب و بی خرد، از باب رحمت، بخشیش و مهربانی وارد شویم و آنان را ناامید نسازیم. خداوند ضمن سرزنش آنانی که پیامبر اکرم (ص) را با فریاد صدا می زدند، مغفرت و رحمت خودش را مطرح می کند «ولو انهم صبروا... والله غفور رحیم» (همان).

می توان گفت، در سطح تبیین در این داستان، اندیشه و تفکری که خداوند در پی بیان آن است، ایجاد یک جامعه سالمی توحیدمدار، قانون مدار، اخلاق مدار و سعادت مند است که از رهگذر رعایت ادب و اخلاق اسلامی و رفتار اجتماعی نیکو، رسیدن به آن ممکن می شود. از این جهت است که ادب و اخلاق در دین مبین اسلام از اهمیت والای برخوردار است. حضرت امیر (ع) در خصوص اهمیت ادب جمله ی زیبایی دارد، می فرماید: «افضل الشرف الادب» (غررالحکم: ۲۹۰۳).

## تبیین رفتار در قالب الگویی سیستمی

با توجه به مطالب پیش گفته شده، رفتار یا کنش اجتماعی مطرح شده در داستان پیامبر اکرم (ص) به نظر می‌رسد در الگوی سیستمی در سطح رفتارگروهی قابل بحث و استفاده است. زیرا همان طور که در شأن نزول آیات نقل شد، گروهی از مسلمانان بر حکم خدا و رسول پیشی گرفتند و گروهی با سروصدا و داد و بی‌داد از پشت حجره‌ها باعث ناراحتی پیامبر اکرم (ص) شدند. و از آنجا که هر سیستمی دارای درون‌داد و فرایند و برون‌داد می‌باشد، در این داستان پیشی گرفتن گروهی از مسلمانان بر حکم خدا و رسول، بالابردن صدا در حضور پیامبر (ص) و بلند حرف زدن در حضور پیامبر، صدا زدن پیامبر را از پشت دیوارها، درون‌دادهای سیستم را تشکیل می‌دهند. واکنش خداوند و نهی از چنین رفتارها نامناسب، نحوه تعامل و رفتار آنان با پیامبر اکرم (ص)، فرایندهای سیستم و حیط اعمال، ناآگاهی و بی‌خردی آنان برون‌دادهای سیستم را تشکیل می‌دهند.

جدول، درون‌داد، فرایند و برون‌دادهای رفتاری داستان در الگویی سیستمی		
درون‌دادها	فرایندها	برون‌دادها
پیشی گرفتن از حکم خدا رسول	واکنش خداوند	بی‌صبری
بلند صدا کردن	نهی از پیشی گرفتن	حیط اعمال
بلند حرف زدن در حضور پیامبر	نحوه تعامل با پیامبر اکرم (ص)	ناآگاهی
صدا زدن از پشت دیوارها	رفتار ناپسند با پیامبر (ص)	و بی‌خردی

## پیامدهای داستان

این داستان پیامدهای رفتاری، روانشناختی و مدیریتی فراوانی را نیز در جامعه می‌تواند داشته باشد.

## الف. پیامد رفتاری

پیامد رفتاری این داستان می‌تواند این باشد که در رفتارهای مان با دیگران نهایت ادب و اخلاق را داشته باشیم. نسبت به مقدسات ادب و اخلاق را رعایت کنیم، هر دین و آئینی مقدساتی دارند، و نهایت احترام و ادب را نسبت به مقدسات‌شان دارند. در اسلام اماکن مقدسه داریم مانند، کعبه، حرم‌های ائمه‌ی معصومین علیه‌السلام، مساجد و حسینیه‌ها... نسبت به همه اینها ادب و احترام داشته باشیم. نسبت به هم‌نوعان خود رفتار نیک داشته باشیم، به پدر و مادر نهایت احترام و ادب را رعایت کنیم، در مورد احترام به والدین خداوند در قرآن می‌فرماید «و بالوالدین احسانا... لا تقل لهما اف ولا تنهرهما و قل لهما قولا کریماً» (اسراء، ۲۳)، به پدر و مادر احسان کنید... به آنها حتی اف هم نگو و به آنان پر خاش مکنید و با آنها سخن شایسته بگویید. نسبت به اهل دانش و فضل، معلم و استاد... رفتار مناسب انسانی و اسلامی داشته باشیم و ادب و اخلاق اجتماعی را رعایت کنیم و از حد خود تجاوز نکنیم و از محارم دوری جویم. چنانکه حضرت امیر علیه‌السلام می‌فرماید «حسن الأدب ما کف عن المحارم»؛ نیکوترین ادب‌ها آن چیزی است که تو را از شکستن مرزهای مقررات خدا و نارواها باز دارد (غرر الحکم، واژه «ادب»).

**ب. پیامد روانشناختی**

وقتی از کسی خواسته‌ای داریم، می‌خواهیم کاری را برای مان انجام بدهد از نظر روانشناختی، با ادب و اخلاق و خطاب مناسب ابتدا زمینه‌ی اثرپذیری را در مخاطب ایجاد کنیم و بعد خواسته‌ی خود را به او عرضه بداریم. در جمله‌ی «یا ایهاالذین آمنو» خداوند تبارک و تعالی، اول به مؤمنان شخصیت می‌دهد و پیوند آنان با خدا را که زمینه‌ی انجام فرمان الهی است، بیان می‌کند و بعد دستور صادر می‌کند که از حکم خدا و رسول پیشی نگیرید. با پیامبر(ص) با صدای بلند صحبت نکنید و وی را از پشت دیوارها صدا نزنید.

**ج. پیامد مدیریتی**

۱. نظم و انضباط؛ مسئله رهبری و فرماندهی، دور از رعایت نظم و انضباط، هیچگاه به سامان نمی‌رسد، و اگر کسانی که تحت پوشش مدیریت و رهبری قراردارند، بخواهند بدون دستور رهبر و فرمانده‌شان عمل کنند، اساس کارها از هم می‌پاشد. هرچند هم که فرمانده و رهبر شایسته هم باشد. خیلی از شکست‌ها و ناکامی‌های دولتها، گروه‌ها و سازمانها، امروزه از همین رهگذر اتفاق می‌افتد. اسلام هم طعم تلخ این مسئله را در جنگ اُحد به خاطر بی‌انضباطی تعدادی، چشیده است.

۲. پاداش و تنبیه؛ از این داستان می‌آموزیم، وقتی در جایگاه مدیر، رهبر، معلم و استاد قرار می‌گیریم، نسبت به افراد و زیردستان خود خوش‌رفتاری را پیشه کنیم و مسئله تشویق و قدردانی، پاداش و تنبیه را فراموش نکنیم. در داستان مشاهده گردید که خداوند «اجر عظیم» را برای آنان که نسبت به پیامبر(ص) رفتار نیکو داشتند در نظر گرفته است و «حبط اعمال» را برای آنان که نسبت به پیامبر(ص) ادب و اخلاق را رعایت نمی‌کردند، در نظر گرفته است.

**نتیجه‌گیری**

یافته‌های پژوهش حاضر با توجه سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین با رویکرد نورمن فرکلاف به شرح زیر است: در سطح توصیف مشاهده گردید، از آنجایی که سوره مبارکه حجرات در کل حاوی پیام‌های اخلاقی و تربیتی می‌باشد و یک بخش این سوره که به داستان پیامبراکرم(ص) مرتبط است، نیز حاوی توصیه‌های اخلاقی و آداب رفتاری نسبت به پیامبراکرم(ص)، از جانب خداوند متعال است. شأن نزول آیات در مورد پیشی گرفتن بعضی مسلمانان از خدا و رسول و خدا و رفتارهای ناپسندی گروهی از مسلمانان نسبت به پیامبراکرم(ص) است. گفتمان مسلط در داستان، مرتبط با نوع رفتار و روابط اجتماعی زمان داستان است. از نگاه ساختاری جملات، بیشتر دستوری و تأکیدی هستند و نوع خطاب و لحن بیان، شکل موجی (شدید، آرام و شدید) دارد.

در سطح تفسیر و تبیین نیز مشاهده گردید کنش‌شگر واقعی در این داستان خدای متعال است و تفکری را که در صدد بیان و ایجاد آن است، تفکر توحیدی و ایجاد جامعه سالم، سعادت‌مند، اخلاق‌مدار و قانون‌مدار از رهگذر رعایت رفتار و آداب اجتماعی نیکو و پسندیده است. از این رو بر داشتن رفتار حسنه تأکید می‌کند از رفتارهای نامناسب در تعاملات اجتماعی نهی می‌کند. نوعی رفتار و تعامل اجتماعی مطرح شده در داستان، در الگویی سیستمی در سطح گروهی قابل طرح و استفاده است.

- قرآن کریم.
- ۱. آمدی، ابوالفتح (۱۴۱۰ق)، غررالحکم، دارالکتب الاسلامی.
- ۲. بشیر، حسن (۱۳۸۵)، تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۳. حاجی‌زاده و فرهادی (۱۳۹۷)، «بررسی قصه یوسف (ع) براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف»، فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش‌های ادبی-قرآنی» سال ششم، شماره چهارم.
- ۴. حدادی، الهام و همکاران (۱۳۹۰)، «کردار گفتمانی و اجتماعی در رمان مدار صفر درجه بر پایه الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف»، مجله نقد ادبی، سال ۵، شماره ۱۸؛ صص ۲۵-۴۹.
- ۵. ذوالفقاری، محسن و دسترنج، فاطمه (۱۳۹۸)، «بررسی آیات تحدی براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف»، فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش‌های ادبی-قرآنی» سال هفتم، شماره سوم.
- ۶. زمخشری، محمد (۱۳۸۹)، تفسیر کشاف، جلد ۴، ترجمه انصاری، مسعود، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۷. شکرانی، رضا، مطیع، مهدی (۱۳۸۹)، «گفتمان کاوی و کاربست آن در متون روایی»، مجله عیار پژوهش در علوم انسانی، شماره سوم، صص ۷۱-۱۰۰.
- ۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۰)، تفسیرمجمع البیان، علی کرمی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۹. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۸)، مترجم، همدانی، محمد باقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.
- ۱۰. فرکلاف، نورمن، (۱۳۸۷)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- ۱۱. قرائتی، محسن (۱۳۸۷)، تفسیر نور، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۲. کلانتری، عبدالحسین، (۱۳۹۱)، گفتمان از سه منظر زبان شناختی، فلسفی و جامعه شناختی، چاپ اول، تهران: نشر جامعه شناسان.
- ۱۳. کویلی، پاول (۱۳۸۷)، نظریه‌های ارتباط، احسان شاقاسمی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۴. میلز، سارا (۱۳۹۲)، گفتمان، ترجمه فتاح محمدی، تهران: هزاره‌ی سوم.
- ۱۵. مکاریک، ایرناریما، (۱۳۸۵)، دانشنامه نظری‌های ادبی معاصر، ترجمه مه‌رمان مه‌اجر و محمد نبوی، تهران: آگاه.
- ۱۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۷. مباحثی، محبوبه و واعظ‌زاده، فایزه (۱۴۰۲)، «تحلیل گفتمان انتقادی تمهیدات عین‌القضات همدانی با رویکرد نورمن فرکلاف»، فصلنامه علمی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء (س)، سال پانزدهم، شماره ۳۲.
- ۱۸. Fairclough, Norman (۱۳۷۹). Critical Discourse Analysis of Discourse, translated by Fatemeh Shayesteh Piran and others. Edited by Mohammad Nabavi and Mehran Mohajer. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Office of Media Studies and Research.
- ۱۹. Mills, S. (۲۰۱۳). Discourse. Translated by Fattah Mohammadi. Tehran: Hezareh Sevom.